

گزارشی از کتاب «چهل حدیث» حضرت امام خمینی علیه السلام

مقدمه

زینب کبیری *

اربعین یا چهل حدیث نویسی، سنتی است که از قدیم میان علماء رایج بوده و عنوان کتاب‌هایی است که چهل حدیث یا چهل باب در حدیث می‌باشند و ظاهراً تألیف آنها از قرن ۴ قمری بر اساس اعتقاد به حدیث معروف پیامبر (ص) شروع شده است که فرمود:

هر کس از امت من ۴۰ حدیث که به کار دین او می‌آید، حفظ کند، روز قیامت خداوند او را عالم محشور می‌گرداند (محمدی ری شهری، ۱۳۸۱، ص ۲۴۳).

علمای بسیاری به این امر اهتمام ورزیده‌اند؛ اما کتاب چهل حدیث حضرت امام خمینی (ره) یکی از گران‌بهارترین کتبی است که در این زمینه تألیف شده و با توجه به مقام شامخ علمی نویسنده آن، نکات ارزنده‌ای به خواننده منتقل می‌شود.



شرح حال نویسنده

امام خمینی (ره) در ۲۰ جمادی الثانی ۱۳۲۰ ق. مطابق ۳۰ شهریور ۱۲۸۱ ش. در شهرستان خمین از توابع استان مرکزی ایران در خانواده‌ای اهل علم به دنیا آمد. در خمین در مکتب‌خانه مرحوم ملا ابوالقاسم، تحصیلات خویش را آغاز کرد و نزد میرزا محمد افتخار العلماء، مرحوم میرزا رضا نجفی خمینی، مرحوم شیخ علی محمد بروجردی، شیخ محمد گلپایگانی، شیخ عباس اراکی و بیشتر از همه نزد برادر بزرگوارش آیت‌الله سیدمرتضی پسندیده، علوم مقدماتی و سطح حوزه‌های دینی را فرا گرفت و در سال ۱۲۹۸ ش. عازم حوزه علمیه اراک شد. اندکی پس از هجرت حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی در سال ۱۳۰۰ ش. رهسپار قم شد و نزد مرحوم میرزا محمدعلی ادیب تهرانی *تتمه مطول* را فرا گرفت. تکمیل دروس سطح را نزد آیت‌الله محمدتقی خوانساری و سیدعلی یثربی کاشانی خواند و دروس خارج فقه و اصول را نزد آیت‌الله العظمی حائری یزدی فرا گرفت. ریاضیات، هیأت و فلسفه را نزد حاج سیدابوالحسن رفیعی قزوینی و آقامیرزا علی‌اکبر حکمی یزدی خواند و اخلاق و عرفان را نزد حاج میرزا جواد آقا ملکی تبریزی گذراند. فلسفه اسلامی و غرب را نزد محمدرضا مسجدشاهی اصفهانی خواند و عالی‌ترین سطوح عرفان نظری و عملی را نزد آیت‌الله میرزا محمدعلی شاه‌آبادی به اتمام رسانید و از محضر آیت‌الله العظمی بروجردی نیز بهره گرفت. وی چندین دوره فقه، اصول، فلسفه و عرفان و اخلاق اسلامی در حوزه علمیه قم تدریس نمود و قریب ۱۴ سال معارف اهل بیت را در حوزه علمیه نجف تدریس کرد (سازمان مدارک فرهنگی انقلاب، ۱۳۷۰، ص ۲۱). در کنار تدریس به روشنگری مسائل مختلف جامعه اسلامی مبادرت ورزید تا اینکه با تهاجم صریح رژیم پهلوی به مقدسات اسلامی در مقابل این رژیم قیام کرد و برای مدتی زندانی شد. سپس مدت ۱۵ سال به ترکیه و نجف تبعید شد و سرانجام در ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ به کشور بازگشت و حکومت جمهوری اسلامی ایران را بنیان‌گذاری کرد و ۱۱ سال رهبری آن را بر عهده داشت. ایشان در ۱۳ خرداد ۱۳۶۸ در سن ۸۷ سالگی دار فانی را وداع گفت.

مهرپرست

تألیفات نویسنده

امام خمینی (ره) در هفت زمینه فلسفه و عرفان، فقه و اصول، اخلاق، تفسیر قرآن، شعر و ادب حکومت و سیاست تألیفاتی به یادگار نداشته‌اند، مانند: *شرح دعای سحر*، *شرح*



حدیث رأس الجالوت، سر الصلوة، كشف الاسرار، كتاب الطهارة، تحرير الوسیلة، مناسک حج، حکومت اسلامی یا ولایت فقیه، تفسیر سوره حمد، دیوان شعر، وصیت‌نامه سیاسی الهی و غیره (انصاری، ۱۳۷۳، ص ۲۱۶-۲۲۴).

سند کتاب

مؤلف در ابتدای کتاب، سند را به کتاب شریف کافی مرحوم کلینی ارجاع می‌دهد، هر چند در شرح احادیث از کتاب‌های دیگر، مانند عیون اخبار الرضا، ثواب الاعمال و عقاب‌ها، تفسیر قمی، مجالس شیخ طوسی، وسائل الشیعه و احتجاج طبرسی استفاده نموده است.

معرفی کتاب

کتاب چهل حدیث به تقریر امام خمینی (ره) است که مضامین آن را در مدرسه فیضیه و ملاصادق در قم برای شاگردان خود بیان کرده بودند. سپس تصمیم گرفتند که کتابی در همین زمینه تألیف نمایند و سرانجام آن را در سال ۱۳۵۸ ق. به پایان بردند.

روش و رویکرد

رویکرد ایشان، اخلاق تلفیقی است که شامل اخلاق وحیانی، فلسفی و عرفانی می‌باشد؛ به عبارت دیگر، استفاده از آیات و روایات همراه ذوق عرفانی و بیان اخلاق فلسفی، این کتاب را نمونه مناسبی در بیان احادیث اخلاقی نموده است و یک نوع جامعیت در روش بیان و شرح احادیث مشاهده می‌شود.

در شرح احادیث: الف. مؤلف به روش عقلی با رویکرد ملاصدرا (حکمت متعالیه) اهتمام داشته است. چنانچه در حدیث ۳۷، فصل اول از صدر المتألهین نقل می‌کند که: «معرفت نفس دو گونه است: مشاهده عرفانی، تزکیه و تنزیه نفس». همچنین در حدیث ۳۶، فصل سوم، علم را از نظر ملاصدرا به بصری و سمعی تقسیم می‌کند و در همین حدیث بیان می‌کند که: «حق تعالی صرف الوجود است و صرف الوجود جامع همه کمالات می‌باشد».

ب. مؤلف به روش شهودی با رویکرد عرفان ابن عربی نکات دقیق عرفانی را بیان می‌کند: چنانچه در حدیث ۳۷، فصل اول می‌گوید: «... مقام احدیت جمع اسماء ظهوری است...» یا در حدیث ۳۶، فصل دوم: «حق تعالی مستجمع جمیع اسماء و صفات است، در مقام حضرت احدیت...».



ج. مؤلف با استفاده از روش نقلی (استشهاد به آیات قرآن و دیگر روایات معصومین) نکات برجسته‌ای را در شرح احادیث نگاشته است. چنانچه در حدیث ۲۳، در فضیلت علم، آیه «وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ» را آورده و سپس به حدیثی از پیامبر (ص) در مورد علم اشاره می‌کند: «من جاءه الموت و هو يطلب العلم...».

د. همچین مؤلف با استفاده از رویکرد اخلاق ارسطویی نشأت وجودی انسان را مطرح نموده و منافع و مضار فضایل و رذایل اخلاقی را معرفی می‌نماید، سپس راه علاج را بیان می‌کند. مثلاً در حدیث اول، مقام دوم (فصل اول) به سه قوه واهمه، غضبیه، شهویه که در اخلاق ارسطویی مطرح است، اشاره نموده و بر این مبنا شرح را آغاز می‌کند.

ساختار کتاب

عناوین احادیث کتاب عبارت است از: جهاد نفس، ریا، عجب، کبر، حسادت، حب دنیا، غضب، عصبیت، نفاق، هوای نفس، فطرت، تفکر، توکل، خوف و رجا، امتحان و آزمایش مؤمن، صبر، توبه، ذکر، غیبت، اخلاص، شکر، حقیقت مرگ، اقسام و اصناف علم و جویندگان علم، حالات قلوب، حضور قلب، معرفت حق تعالی و رسول و اولوالامر، یقین و رضا، ولایت، معانی روح و صورت، تفسیر سوره توحید و آیات آغازین سوره حدید.

میزبهر

فواید و امتیازات

امتیاز این کتاب نسبت به سایر کتب اخلاقی، جامعیت آن در روش و رویکرد مطرح کردن مباحث اخلاقی است، به گونه‌ای که فقط به بیان احادیث اخلاقی، عرفانی و اعتقادی نپرداخته؛ بلکه با توجه به تسلطی که بر علوم قرآن، حدیث و عرفان داشته است، احادیث فضایل و رذایل را ذکر می‌کند و راه رسیدن به فضایل و دفع رذایل را هم یادآور می‌شود. ایشان بحث علمی و عقلی بسیار هدایت شده و جالبی را در ضمن شرح احادیث دارند و با توجه به قوه استنباط قوی و نفس رحمانی به این نکته توجه داشته است که عقاید غیر مستفاد از شرع را در شرح خویش وارد نکند و در عین حال، به ایرادات اهل قشور نیز پاسخ می‌گوید. البته در هفت حدیث آخر دقیق‌ترین مباحث عرفانی را در عین دقت علمی بحث می‌نماید که در کمتر کتابی چنین مطالب ناب و والایی یافت می‌شود.



تحلیل و ارزیابی

این کتاب نیز همانند بسیاری از کتب اخلاقی دیگر دچار آسیب «مدون نبودن نظام اخلاقی» گشته است و ترتیب نظام مند میان احادیث به شکلی که اصول و روش های نظام اخلاقی را به ما بنمایاند، ملاحظه نمی شود. مثلاً به حیطة اخلاق الهی، اجتماعی، خانوادگی و فردی جداگانه اشاره نشده و آسیب های آنان به طور منظم و جداگانه مطرح و بحث نشده است. تعداد احادیثی که ناظر به فضایل می باشد، کمتر از رذایل بحث و تشریح شده است. همچنین قالب بیان مطالب، سنگین بوده و برای فهم عموم مشکل است. از نظر ساختاری، حدیث اول در مورد جهاد نفس است و مناسب بود که حدیث تفکر که دوازدهمین حدیث است، به دنبال آن آورده شود و سپس به بیان فطرت پرداخته شود.

همچنین احادیث فضایل و رذایل از هم جدا نشده و لابه لای هم آمده است. شاید بهتر بود که احادیث فضایل پشت سر هم می آمد و سپس به رذایل اشاره می شد. در حالی که ابتدا به جهاد نفس و سپس یک سری رذایل اخلاقی نظیر ریا، نفاق، حسادت، عصبیت، غضب و غیره پرداخته شده و بعداً فضایل صبر، توبه و ذکر می آید و ناگهان در ادامه از غیبت سخن به میان می آید و بعد از آن از اخلاص و شکر که این روش، نظم منطقی ساختار کتاب را به هم می زند.

هفت حدیث آخر که در مورد علم و معرفت است و با رویکرد عرفانی انتخاب شده است، نیز نظم و ارتباط میان آنها می تواند به این شکل باشد که ابتدا فضیلت علم و معرفت بیان شود، سپس به ولایت و معرفت اسماء حق و پس از آن، آفرینش و خیر و شر مطرح شود و تفسیر سوره توحید و اقسام قلوب را پس از آن ذکر نمایند و حدیثی که به وصایای رسول اکرم (ص) اشاره دارد، در همان بخش از احادیثی منتقل شود که به بیان فضایل اخلاقی می پردازد. حدیث ۳۱ و ۳۷، چون موضوعاتی شبیه هم دارند، متناسب بود که پشت سر هم مطرح می شوند (در مورد معرفت حق هستند). البته حق این است که ایشان در بیان صرفاً چهل حدیث و شرح آن بوده اند؛ بنابراین، به موارد اشاره شده و نظم سیر مباحث توجهی نداشته اند.



فهرست منابع

۱. انصاری، حمید (۱۳۷۳)، *حدیث بیداری*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام.
۲. سازمان مدارک فرهنگی انقلاب (۱۳۷۰)، *صحیفه نور*، ج ۱، تهران.
۳. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۱)، *منتخب میزان الحکمة*، ترجمه حمیدرضا شیخی، تهران: دارالحدیث.